



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمد علی زحمت کش	جلسه	۳۸	تاریخ	۱۴۰۳/۰۹/۰۳
عنوان ۱	خبر واحد				
عنوان ۲	بررسی اصل حجیت خبر واحد				
عنوان ۳	ادله قائلین حجیت خبر واحد				
عنوان ۴	نوع اول: استدلال به کتاب				
عنوان ۵	استدلال به آیه نفر				
عنوان ۶	بیان جامع شهید صدر رحمته الله در آیه نفر				

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

مرور و تکمیل مباحث گذشته

بحث ما در تقریب جامعی بود که استاد شهید مبنی بر استیعاب احتمالات در آیه نفر بیان کردند تا روشن شود بر اساس چه استدلال و تقریبی، می توان دلالت آیه نفر را بر حجیت خبر اثبات کرد.

بیان شد که در حذر، سه احتمال وجود دارد: یک اینکه این حذر، حذر از عقاب مولا باشد؛ دوم اینکه حذر، حذر از مخالفت واقع و تفویض غرض مولا باشد و سوم اینکه آیه مجمل و مردد بین دو گزینه اول و دوم باشد.

بنابر فرض اول که حذر، حذر از عقاب باشد، فرمودند که ما در محل خود گفتیم که برای اثبات وجوب حذر در این آیه، سه تقریب وجود دارد: تقریب اول این بود که گفته شد «لعل»، دلالت بر مطلوبیت حذر دارد و مطلوبیت به معنای وجوب است. تقریب دوم اینکه وجوب انذار به صورت مطلق در آیه بیان شده و شامل خبر مفید علم و غیر مفید علم می شود؛ پس حذر نیز باید اعم از حذر خبر مفید علم باشد و سوم این بود که حذر، غایت انذار واقع شده است و معقول نیست که غایت واجب نباشد، اما مقدمه غایت واجب نباشد.

همچنین بیان شد که ایشان بنابر وجه اول و دوم از وجوه وجوب حذر و بنابر اینکه حذر، حذر از عقاب باشد، پنج احتمال بیان کردند و احتمالات را نیز بیان کردیم.

احتمال اول این بود که این حذر، حذر از عقاب باشد اما به قصد انشاء حجیت باشد. گفتیم این فرض معقول نیست؛ زیرا عقاب، متفرع بر حجیت است؛ نه اینکه برعکس باشد. احتمال دوم این بود که حذر، حکم مولوی باشد و متعلق به خصوص حذر عن علم باشد. گفتیم این فرض نیز معقول نیست؛ زیرا در این صورت علم، تحت دایره وجوب می رود؛ در حالی که متعلق المتعلق، نمی تواند مقدمه وجود باشد؛ بلکه باید مقدمه وجوب باشد. احتمال سوم این بود که وجوب حذر، ارشاد

به تخلص از عقاب ثابت به ملاک حصول علم از قول منذر باشد. گفتیم این احتمال نیز منجر به این می شود که خصوص انذار موجب علم واجب باشد؛ درحالی که انذار مطلق است و شامل انذار غیر موجب علم نیز می شود. احتمال چهارم این بود که وجوب حذر، ارشاد به تخلص از عقاب ثابت به ملاک حجیت قول منذر باشد. گفتیم این احتمال دارای دو فرض است. فرض اول این است که قضیه حقیقیه فرض شود که در این صورت حجیت خبر واحد را اثبات نمی کند. فرض دوم این است که به صورت قضیه خارجی فرض شود. در این صورت حجیت خبر را اثبات می کند به تقریبی که بیان شد. احتمال پنجم این بود که وجوب حذر، کنایه از جعل حجیت برای خبر واحد باشد. گفتیم چنین کنایاتی در زبان عرب فراوان وجود دارد. در نتیجه این وجه نیز می تواند حجیت خبر واحد را اثبات کند.

بنابراین بنا بر فرض دوم از احتمال چهارم و احتمال پنجم، حجیت خبر واحد اثبات می شود. البته استاد شهید در انتها می فرمایند این کلام بنابر این است که ایرادی که در ابتدا به استدلال به آیه، مبتنی بر دلالت کلمه انذر بیان کردیم، وجود نداشته باشد؛ اما همانطور که گفته شد، کلمه انذار، هنگامی به کار برده می شود که قبل از اندازی، عقاب ثابت شده باشد. در نتیجه عقاب در این آیه، مترتب بر انذار نیست؛ بلکه انذار مترتب بر عقابی است که از قبل ثابت شده است. در نتیجه آیه نمی تواند حجیت خبر را اثبات کند.

ما در محل خود، این اشکال استاد شهید را رد کردیم و گفتیم چنین نیست که انذار، همواره انذار از یک خطر قبلی باشد؛ بلکه انذار از آینده نیز انذار است؛ مانند اینکه گفته شود: «از این راه نرو که دچار راه زن می شوی» که این نیز انذار است؛ انذار از آینده است. در آیات کریمه قرآنی نیز مواردی وجود دارد که خطاب به رسول خدا صلی الله علیه و آله در ابتدای بیان تکلیف و تشریع، «انذر» آمده است. علاوه بر اینکه در گذشته نیز بیان کردیم که اگر تنها بر مبنای قاعده حق الطاعة سخن بگوییم، کلام استاد شهید جا دارد؛ اما باید توجه داشت که برائت شرعی وجود دارد و برائت شرعی می گوید اگر انذار نباشد، حجت نیست؛ لذا خود برائت شرعیه دلالت بر این می کند که عقاب، مترتب بر انذار است؛ نه اینکه این انذار بعد از دلیل عقلی سابق که حجت است باشد.

در نتیجه بنابر آنچه ما بیان کردیم، دلالت آیه نفر بر حجیت خبر واحد تام است؛ زیرا تمام اشکالات وارده را نفی کردیم. تمام آنچه بیان شد، مترتب بر این بود که حذر، حذر از عقاب باشد و وجوب آن نیز از باب دلالت «لعل» بر مطلوبیت یا از باب لغویت وجوب انذار در صورت عدم وجوب حذر باشد.

وجه سوم در استدلال وجوب حذر بنابر اینکه حذر از عقاب باشد

اکنون، باید روشن شود که بنابر وجه سوم در استدلال وجوب حذر، آیا می توان حجیت خبر واحد را اثبات کرد یا خیر. وجه سوم در وجوب حذر، این بود که حذر، غایت انذار است و وجوب غایت، نمی تواند اضیق از وجوب ذی الغایه باشد. وجوب انذار، مطلق است و اعم از انذار موجب علم یا غیر موجب علم می شود؛ لذا وجوب حذر، نمی تواند در خصوص انذار موجب علم باشد و این به معنای حجیت خبر است.

استاد شهید می فرمایند بنابر این وجه، نمی توان حجیت خبر واحد را اثبات کرد؛ زیرا انذار، انذار از عقاب سابق بر انذار است؛ در نتیجه این انذار، منجز و حجیت آور نیست؛ بلکه مترتب بر یک حجیت سابق است.^۱

بررسی موردی که حذر، حذر از مخالفت واقع باشد

در گذشته گفتیم که در وجوب حذر، سه احتمال وجود دارد: یکی اینکه وجوب حذر از عقاب باشد و دیگری اینکه وجوب حذر از مخالفت با واقع باشد و سوم اینکه مجمل باشد.

در صورتی که حذر، حذر از مخالفت با واقع باشد. در این صورت باید گفت از آنجا که حذر، نمی تواند حذر در مقام تکلیف باشد؛ بلکه حذر در مقام امتثال است و از طرفی حذر مترتب بر انذار مطلق شده است، در این فرض نیز می توان گفت وقتی حذر در مقام امتثال بود، مترتب بر تنجز قبلی است؛ در نتیجه باید یک عقاب سابقی وجود داشته باشد تا در مقام امتثال، حذر از آن ثابت شود. در نتیجه اینگونه وجوب حذر نیز نمی تواند حجیت خبر واحد را اثبات کند. به عبارت دیگر، حذر در اینجا، حذر در مقام امتثال است و حذری است که بر تنجز سابق است و هنگامی که تنجز قبلی وجود داشته باشد، معلوم می شود که این انذار منذر نیست که منجزیت می آورد؛ بلکه این انذار منذر به قصد وجوب حذر قبل از انذار است.^۲

این خلاصه فرمایش شهید صدر نسبت به تقریب عامی که نسبت به آیه نفر می توان بیان کرد. البته یک فرض دیگر مانده است که آن فرض اجمال است.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين

۱. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «علی الوجه الثالث - وهو أنّ الحذر غاية للواجب، وغاية الواجب واجبة - يكون تفسير الحذر بالحذر عن العقاب مبطلاً للاستدلال بالآية على حجّية إنذار المنذر؛ لأنّ المفروض أنّ الحذر عن العقاب جعل غاية للإنذار، وهو يدلّ على ثبوت ملاك الحذر، وهو ترقيب العقاب في الرتبة السابقة على الإنذار، فإنّ جعل شيء غاية لشيء كقوله مثلاً: (توضاً حتى تصلّي) فيه دلالة على ثبوت ملاكه قبل ذي الغاية وبغض النظر عنه، وهذا يعني تمامية الحجّة قبل الإنذار». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۶ و ۴۸۷.

۲. متن تقریرات شهید صدر رحمته الله علیه چنین است: «وأما على الفرض الثاني - أعني: كون المقصود التحذّر عن مخالفة الواقع وتفويت غرض المولى - فنقول: إنّ طلب التحذّر إمّا يكون في الحقيقة ذكراً لنفس الأحكام الواقعية، فكأنّه قال: (صلّي، وركّ، وصم...)، أو هو بيان لوجوب التحذّر في مرحلة الامتثال، والمتعین هو الثاني؛ إذ معنی وجوب الحذر هو ثبوت حكم في المرتبة السابقة حتّى يتحذّر من مخالفته، وإلّا لم يكن موضوع للتحذّر. وهذا يناسب الاستدلال بالآية الكريمة بالوجه الثاني، والثالث، دون الوجه الأول؛ لأنّ الوجه الأول يعتمد على الملازمة بين مطلوبية الحذر ووجوبه، وعدم تعقّل الاستحباب، بينما من المعقول أن يفرض استحباب التحذّر عن مخالفة الواقع لدى الشك». مباحث الأصول؛ جزء الثاني من القسم الثاني، ص ۴۸۷.